

متن‌شناسی ادب فارسی (علمی- پژوهشی)
دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه اصفهان
دوره جدید، شماره 4، (پیاپی 28) زمستان 1394، صص 100-83

متن‌شناسی قدمگاه انجم در تعزیه ایران

سید علی رضا حجازی* - عباسعلی کرمی**

چکیده

این مقاله با هدف معرفی یکی از شخصیت‌های بزرگ ولی گمنام در عرصه تعزیه سرایی در ایران به نام میرزا محمد روحانی معروف به «میر انجم» و متخلص به «انجم» به رشته تحریر درآمده است. ابتدا زندگی میر انجم بررسی می‌شود. سپس با ذکر نمونه‌هایی از شاهکار هنری و ادبی او شیوه شاعری اش ارزیابی می‌شود. در ادامه ویژگی‌های نسخه‌های تعزیه‌های این شاعر تعزیه سرا همراه با شواهدی از مجموعه قدمگاه انجم که بخشی از اثر فاخر اوست، تبیین می‌شود و به دنبال آن درونمایه‌های مجالس تعزیه‌های او با استفاده از نمونه‌های شعری مشخص می‌گردد. در خاتمه نیز ویژگی‌های زبانی تعزیه‌ها تجزیه و تحلیل می‌شود.

واژه‌های کلیدی

میرزا محمد روحانی «میر انجم»، تعزیه، قدمگاه انجم، درونمایه، زبان تعزیه

مقدمه

آن دسته که تعزیه سرایان را عمدتاً مردم ساده و کم‌سواد و اشعارشان را فاقد جایگاه ادبی می‌دانند در طول تاریخ نیز حتی الامکان ذکری از این شاعران بی ادعا در آثار خود به میان نیاورده‌اند. برای همین است که در کتب تاریخ ادبیات و تذکره‌ها یا کمتر نامی از تعزیه سرایان به میان آمده است و یا گاه نام آن‌ها را به طور کل از صحنه ادبی محو کرده‌اند و آنها را به فراموشی سپرده‌اند.

یکی از شخصیت‌هایی که با وجود هنرمندی اش در عرصه تعزیه و تعزیه سرایی در گمنامی مطلق به سر می‌برد، میرزا محمد روحانی ملقب به «میر انجم» و متخلص به «انجم» است. او به لطف هنر شاعری و تعهدش از سوی ناصرالدین شاه لقب «میر انجمن» را به دست می‌آورد و به واسطه همین عنوان به میر انجم مشهور می‌شود و تخلص

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول) sa.hejazi@yahoo.com
** کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه قم، قم، ایران ahshazand@gmail.com

«انجم» را برای خود برمی‌گزیند. چون هیچ سند مکتوبی درباره زندگی او موجود نبود، معرفی شخصیت و زندگی نامه او که از زبان نوه اش مرحوم شیخ مهدی انجمنی به رشته تحریر درآمده، شیوه شاعری و دسته بندی اشعارش بر اساس مجالس تعزیه های ایشان به همراه نمونه‌هایی از اشعار تبیین گردیده است.

زندگی نامه میرزا محمد روحانی (میرانجم)

میرزا محمد روحانی متخلص به انجم فرزند عبدالصمد در سال 1240 هـ.ق. در خانواده ای مذهبی - که به روایت بستگان ایشان تا پانزده نسل قبل از وی از مبلغان و علمای مذهبی بودند - در خوانسار به دنیا آمد. در کودکی از نعمت پدر محروم گردید و تحت سرپرستی عموی عالم خود عبدالصاحب قرار گرفت. به علت مشکلاتی همراه خانواده خود از خوانسار به شازند نقل مکان کرد. ابتدا در روستای غینر ساکن شد و به فراگیری علوم معقول و منقول نزد عمویش عبدالصاحب پرداخت. از همان کودکی قریحه شعر و شاعری داشت ولی عمدتاً اشعار کوچه بازاری می‌گفت. به سبب سرودن این اشعار مورد بی‌مهری عمو و استاد خود واقع گردید تا جایی که او را کتک می‌زد. میرزا محمد نیز با حالت قهر به مسجد روستای محل خود پناه آورد و در آنجا به خواب رفت. در خواب کنیزی از کنیزان حضرت فاطمه (س) را دید که برایش خوشه ای انگور می‌آورد و از او می‌خواهد که از آن انگور تناول کند. او از خوردن انگور امتناع می‌کند و می‌گوید: «من علم می‌خواهم نه انگور». کنیز به نقل از حضرت فاطمه زهرا (س) عرضه می‌دارد که «مقصود تو در همین خوشه انگور است ولی باید متعهد شوی که اشعار خود را در رثای فرزندم حسین (ع) بسرایی. اگر این کار را ترک کنی دچار مشکل می‌شوی».

این خواب تأثیر عمیقی بر رفتار و اندیشه های میرزا محمد گذاشت. تصمیم گرفت که از آن تاریخ به بعد محور اشعار خود را رثای امام حسین (ع) و مسائل دینی قرار دهد. از سوی دیگر نیز با جدیت تمام از محضر عموی استاد خود از گنجینه علوم توشه برداشت. وی تا آنجا پیش رفت که در زمینه فقه به کسب درجه اجتهاد نائل گشت. او علاوه بر تبحر در علوم دینی و شعر و شاعری در موسیقی، ستاره شناسی، خطاطی و حتی طب به جایگاه والایی دست یافت. وی صدای خوشی نیز داشت و در مجالس تعزیه خوانی مخالف می‌خواند.

وقتی ناصرالدین شاه به حکومت رسید از آنجا که توجه ویژه ای به تعزیه خوانی داشت از سراسر کشور تعزیه خوانان و دست اندرکاران امر تعزیه را به تکیه دولت فرا خواند. یکی از کسانی که در دربار ناصری ورود پیدا کرد میرزا محمد روحانی است. وی بر اساس نسخ تعزیه خود آن چنان مجلس تعزیه ای در تکیه دولت بر پا کرد که از سوی ناصر الدین شاه لقب «امیر انجمن»، «میر انجم» را دریافت کرد. همین عنوان زمینه را برای این نسخه نویسنده تعزیه به وجود آورد تا تخلص خویش را «انجم» قرار دهد. نائل شدن به این مقام برای یک روستازاده دلباخته به خاندان رسالت یک افتخار بزرگ محسوب می‌شد و او را وادار کرد که در جاهای مختلف ایران، به خصوص اصفهان، به مناسبت های مختلف مجالس تعزیه بر پا سازد و حتی به پرورش شاگردانی در این حوزه و حوزه علوم دینی همت گمارد. سرانجام در سال 1320 هـ.ق. «انجم» تعزیه ایران افول کرد و بعد از هشتاد سال زندگی پر افتخار چهره در نقاب خاک کشید و در قبرستان روستای قدمگاه آرام گرفت.

بعد از ارتحال میر انجم از آنجا که فرزندش کودکی بیش نبود و به ارزش آثار هنری وی آگاهی نداشت، نسخه های تعزیه ایشان بعضاً مورد دستبرد واقع شد. آنچه از ایشان به عنوان نسخه های تعزیه باقی مانده است 75 مجلس تعزیه است.

شیوه شاعری میر انجم

دسته بندی اشعار مجالس تعزیه میر انجم

نسخه های تعزیه میر انجم تماماً به نظم است. در این نسخه ها به سه دسته اشعار بر می خوریم:

1- اشعار ساده و روان: که از لحاظ زبان و شیوه بیان روشن و در خور فهم عامه مردم است که مخاطبان اصلی تعزیه به حساب می آیند. پاره ای از لغات و اصطلاحات عامیانه که از نگاه جامعه شناختی مبین گفتار مردم منطقه شازند است، در کنار لغات و تعبیرات ادبی سهل و قابل فهم در این گونه اشعار دیده می شود.

امیرالمؤمنین آقا هوار است	ببین طفلان زارت بی قرار است
(چوپان در تعزیه شهادت طفلان حضرت مسلم (ع))	
برادر قوتی برپا ندارم	دگر از راه رفتن نا ندارم
(ابراهیم در تعزیه شهادت طفلان حضرت مسلم (ع))	
چند سالی است که این تازه جوان یار من است	در لقب شوذب و هم نوکر پادار من است
(عباس در تعزیه شهادت امام حسین (ع))	

2- اشعار خوب و در حد متعارف: بیشترین اشعار موجود در تعزیه های میر انجم با لحنی حماسی در این بخش قرار می گیرد. در این اشعار رعایت قواعد و ضوابط ادبی و دستوری زبان شعری به خوبی مشهود است. این امر از ادیب بودن و توانایی شاعر در پردازش صحیح وقایع و توصیف و تصویر هنرمندانه صحنه ها حکایت دارد. در این اشعار از اقسام آرایه های بیان و بدیع لفظی و معنوی در کنار ترکیبات خودساخته به خوبی استفاده کرده است.

مژده ای باد صبا فصل گلستان من است	این طراوت ز من و سنبل و ریحان من است
نسل نمرود، یزید است حسین پور خلیل	آزرستان بلا بلبلس دستان من است
نه شکایت کنم از چرخ نه شکوه ز قضا	این ستم نیست به من رحمت یزدان من است
صیح فردا که سر از خاک لحد بردارم	انبیا را همگی چشم بر احسان من است
(امام حسین (ع) در تعزیه شهادت امام حسین (ع))	
غمم نگذاشت من تنها نشینم	مریزا بارک الله مرحبا غم
(چوپان در تعزیه شهادت طفلان مسلم)	

3- اشعار عالی و فخیم: بر خلاف اشعار دسته اول که در نهایت سادگی است، در بعضی از موارد آن چنان میر انجم از ذوق و استعداد ادبی و دایره علوم خویش بهره می گیرد که برای فهم گفته هایش به تفکر عمیق و گاه فرهنگ لغت نیاز است. این بخش از اشعار از دایره وسیع لغات و تسلط وی بر علوم مختلف به خصوص قرآن و تفسیر آن، موسیقی، نجوم و جغرافیا حکایت دارد.

دست و گردن بسته در نزد رسولم می برند	نار قطرانم دمام ثوب ذلت می دهند
مرتضی آبم ز کوثر می دهد یا از جحیم	مالکان آتشم از طعن لعنت می دهند
صحبت غلمان و حورم می شود فردا نصیب	یا به چاه ویل بر من کنج عزلت می دهند
(ابن سعد در تعزیه شهادت حر)	

یا بکن ثابت که ناسخ بهر قرآن آمده	یا بگو داور به محشر نیست جد آن جناب (ابن سعد در تعزیه شهادت حر)
نازل شده است آیه تطهیر و هل اتی	از بهر خانواده اش آورده از سما (حر در تعزیه شهادت حر)
شرح اما الیتیم فلا تقهر	تو بیا و بخوان ای کافر (عبدالله در تعزیه شهادت حر)
بر زبان آرید نام بی نیاز	ایها الاطفال با صوت حجاز (معلم در تعزیه پسر فروختن)

ویژگی های نسخ تعزیه میر انجم

با دقت در تمام نسخه های تعزیه به ویژگی های مشترکی می رسیم ولی برخی ویژگی ها کارکرد هنری میر انجم را از سایر نسخه نویسان متمایز ساخته است:

1- تحمیدیه ها و مناجات آغاز نسخه ها: شاعران و نویسندگان از دیرباز، آغاز دیوان و منظومه های بلند خویش را با مناجات و راز و نیاز با پروردگار می آراسته اند. این مناجات ها و نیایش های سرشار از مضامین لطیف و عمیق، گواه ذوق و روح لطیف گویندگان آنهاست که با حمد الهی و توصیف عظمت او سخن خویش را آغاز می کرده اند و صفات جمال و جلال الهی را در قالب زیباترین واژه ها بر می شمردند. این شیوه سخن پردازی در غالب نسخه های میرزا محمد روحانی دیده می شود.

ای آن که واقفی تو ز اسرار بندگان دادی مرا به مرتبه در لامکان مکان	ای خالق کریم خداوند انس و جان بردی مرا به قائمه عرش بارها (بیغمبر (ص) در آغاز تعزیه شهادت حمزه (ع))
شکر گویم تو را به لیل و نهار در بیابان مسافر شب تار	ای خداوند قادر ستار از فروغ تو راه گم نکند (آغاز مجلس نامه خاتم دزدی از حضرت سلیمان (ع))

2- تضمین و اقتباس: تضمین و اقتباس با ایجاد تنوع سبب لذت خواننده می شود و ایجاز در کلام را به همراه می آورد و از سویی نشانگر آگاهی شاعر در موضوعات مختلف است. هر قدر تضمین و اقتباس طبیعی تر باشد هنری تر است. میر انجم در مجالس تعزیه خود به گونه های مختلف از آرایه تضمین و اقتباس بهره برده است که اوج آنها را می توان اقتباس از قرآن کریم و آثار سعدی دانست:

ای غلام این لحظه «بسم الله الرحمن الرحیم»	شکر لله شدم فایز از این فیض عظیم (عباس در تعزیه شهادت امام حسین (ع))
شرح «اما الیتیم فلا تقهر»	تو بیا و بخوان ای کافر

(عبدالله در تعزیه شهادت امام حسین (ع))

ب) تضمین از مولوی

«گندم از گندم بروید جو ز جو»
(مولوی، 1377 / 2 : 152)

بشنو از من ناامید از او مشو

(زن سعد در تعزیه پسر فروختن)

ج) تضمین از اشعار حافظ

«دردا که راز پنهان خواهد شد آشکارا»
«با دوستان مروّت با دشمنان مدارا»
«شاید دوباره بیسم دیدار آشنا را»

این کربلاست یاران دادند مژده ما را
هست این زمین که باید پیر و جوان نمایند
بیگانگان کجایند تا زود کشته گردند

(امام حسین (ع) در تعزیه شهادت حر)

از بد حادثه اینجا به پناه آمده ایم»
تا لب شط فرات این همه راه آمده ایم

«ما در اینجا نه پی حشمت و جاه آمده ایم
عشق بازان حسینیم که از ملک حجاز

(حضرت عباس در تعزیه شهادت حضرت عباس (ع))

3- تقلید و نظیره‌گویی: تقلید (Imitaton) از واژه‌های کلیدی در هنر است که به شکل تقلید از طبیعت و تقلید از الگوهای هنری گذشته صورت می‌گیرد. این تقلید و نظیره‌گویی و الگوبرداری از نمونه‌های گذشته، بخشی از لوازم خلاقیت را شکل می‌دهد. میر انجم در مجالس تعزیه خود گاه از الگوهای والا و نمونه‌های برجسته گذشته به خصوص در محتوا و ساختار و در جهت عمق بخشیدن به آثار خود بهره می‌گیرد. بی‌گمان فردوسی و شاعرانی برجسته چون مولوی، سعدی، حافظ و محتشم کاشانی از جمله کسانی هستند که در برابر دیدگان میر انجم بیشترین حضور را داشته‌اند. نمونه‌هایی از این تقلید و نظیره‌گویی در ذیل می‌آید:

ز گرد سم اسب زرین رکاب	کنم تیره رخشان رخ آفتاب
اگر در رکابم رسد اشکبوس	شود چهره اش زرد چون سندورس
منم آن که از گرز البرز سان	نگون آورم بر زمین آسمان
ز رستم ز هر باب من برترم	چو سهراب می لرزد از خنجرم
منم حر نام آور ای شهریار	به فوج پیاده چو سام سوار

ابیات بالا از زبان «حر» در تعزیه شهادت حر بر وزن شاهنامه فردوسی و به شیوه رجزخوانی های پهلوانان در شاهنامه بیان شده است. اشعار بحر متقارب نمونه‌های فوق و نظایر آن در تعزیه بیشتر برای حماسه خوانی اولیاخوانان ساخته می‌شدند. نمونه ای دیگر را که به تقلید از ترکیب بند معروف محتشم کاشانی با مطلع «باز این چه شورش است که در خلق عالم است» در آغاز تعزیه حجه الوداع (هجرت مدینه) از زبان امام حسین (ع) به شکل زیر می‌بینیم:

باز این چه شورش است که در خلق ما سواست	باز این چه بانگ و غلغله در ارض و کبریاست
باز این چه ماتم است که خون در عزا چو اشک	جاری ز چشم های ملایک چو چشمه هاست
در هر کجا که می نگرم شور و شین به پاست	در هر طرف که می نگرم ماتم و عزاست

نمونه دیگر به تقلید از مثنوی مولوی:

خواندن قرآن ز خواندن ها جداست آیه آیه پله پله تا سماست

(معلم در تعزیه پسر فروختن)

علاوه بر نمونه‌های فوق نمونه‌هایی بسیار را در مجالس تعزیه میر انجم می توان یافت که خود نیازمند یک فصل مفصل است.

4- براءت استهلال: در اصطلاح علم بدیع معنوی براءت استهلال این است که گوینده مقدمه سخن خود را به گونه‌ای بیاورد که خواننده بعد از مطالعه این مقدمه به محتوای سخن و تفصیل پیام گوینده پی ببرد و در حقیقت نوعی حسن مطلع به حساب می آید. این شیوه سخن پردازی در اکثر نسخه های تعزیه میر انجم دیده می شود:

ای درد غریبی تو مگر چاره نداری یا خوف ز آه دل آواره نداری
آقای غریبان به کجایی تو حسین جان گویا خبر از مسلم بی چاره نداری

(محمد و ابراهیم در آغاز تعزیه شهادت طفلان مسلم)

شها باشد دلم از بهر قتلت بی قرار امشب قدم بگذار در میدان برای کار و زار امشب
نه خود تنها به همراه نهنگ لجه سیما هژیر جنگجو عباس کیوان اقتدار امشب

(ابن سعد در آغاز تعزیه شهادت حضرت عباس (ع))

5- توجه به محور عمودی در نسخه ها: در کنار محور افقی در ابیات و تک مصراع های هر نسخه یک محور عمودی نیز بر تمام آن نسخه حاکم است. بدین صورت که میر انجم کوشیده است علاوه بر تنوع شخصیت یک ماجرا، محتوای آن داستان را از آغاز تا پایان با تمام فراز و فرودها با یک طرح مشخص روایت کند.

مثلاً طرح مجلس تعزیه شهادت حضرت مسلم (ع) این گونه است که کوفیان برای امام حسین (ع) نامه های بسیاری نوشتند و از امام خواستند تا به کوفه مشرف شوند و خلق کوفه را امامت کنند. امام حسین (ع) که با علم خود از نیت و بی وفایی آن مردم با خبر است، برای اثبات این حقیقت پسر عموی خود حضرت مسلم (ع) را به عنوان سفیر خویش به آنجا می فرستد. در ابتدا با استقبال بی سابقه کوفیان روبرو می شوند ولی ابن زیاد خیانت می کند و با فریب مردم کوفه و تنها گذاشتن حضرت مسلم، موجبات شهادت سفیر امام (ع) را فراهم می آورد. حضرت مسلم (ع) غریبانه و مظلومانه در شهر کوفه به شهادت می رسد.

تعداد شبیه خوانان این تعزیه 12 نفرند که عبارتند از: شبیه امام حسین (ع)، شبیه مسلم (ع)، شبیه طفلان، شبیه مختار، شبیه شریح، شبیه طوعه، شبیه پسر هانی، شبیه محمد اشعت، شبیه ابن زیاد، شبیه صیاد و سرانجام شبیه پسر طوعه.

6- مستند بودن متن نسخه های میر انجم: زبان گفتاری در تعزیه به دو شکل زبان «قال» و زبان «حال» است. بی شک آنجا که میر انجم از زبان «قال» بهره می‌گیرد، عمده تلاش وی در تعزیه های عاشورایی مصروف این نکته شده است که حقیقت دین و به خصوص وقایع قبل و بعد از ماجرای کربلا را به تصویر بکشد. اگر تمام مضامین متون نسخه های موجود را که با خط خود مرحوم میر انجم کتابت شده با تاریخ مطابقت دهیم، به این حقیقت پی خواهیم برد که در تمام درون مایه های نسخ کمترین انحرافی با واقعیت دیده نمی شود. برای همین است که در کنار شاهکار ادبی این آثار می توان از بعد تاریخی نیز به این هنر خلاقه میر انجم استناد کرد اما آنجا که به زبان حال متوسل می شود، گاه عاطفه و احساس بر مستندات تاریخی غلبه دارد.

7- ساخت ترکیبات و اصطلاحات زیبا: هر چند اشعار میر انجم خود سندی است که بر وسعت دایره واژگان او در محدوده زبان فارسی، عربی و اصطلاحات علمی و حتی گویش های محلی گواهی می دهد اما خود او نیز گاه و بی گاه به دنبال این است که با قدرت تخیل و اندیشه خویش واژگان و ترکیبات جدیدی را به کار برد. در ذیل نمونه هایی از این گونه واژه ها و ترکیبات می آید:

زین مصیبت بر دلم پیکان نشست	بشکند دستی که دندانت شکست
	(حضرت علی (ع) در تعزیه شهادت حر)
گرم اندر سود و نقصان سنگ دکان یزید	سخت می ترسم مبادا آن که در بازار حشر
	(ولید در تعزیه حجه الوداع و هجرت مدینه)
باید کمیت عزت او را تو پی کنی	باید که ترک مسلم و آیین وی کنی
	(محمد اشعت در تعزیه شهادت مسلم (ع))

8- تخلص: میر انجم در اکثر قریب به اتفاق نسخ تعزیه خود با به کار بردن واژه «انجم» به شیوه ای ماهرانه شعر خود را امضاء می کند. گاه در برخی نسخه ها بیش از یک بار از اسم شعری «انجم» بهره می گیرد؛ مثلاً در هر یک از تعزیه های حر و علی اکبر (ع) پنج بار استفاده کرده است:

که شفاعت بکنی جرم و گناهان مرا	ذکر انجم شده هر وقت به هر صبح و مسا
	(ابن سعد در تعزیه شهادت حضرت قاسم (ع))
نصیبتش نما آبی از سلسبیل	عطا کن به انجم تو اجر جمیل
	(سعید در تعزیه پسر فروختن)
سیلاب اشک دیده انجم به بارش است	جن و ملک به ماتم من نوحه گر بسین
	(امام حسین (ع) در تعزیه شهادت علی اکبر (ع))

9- همخوانی وزن و قافیه اشعار در فرد نسخه ها به صورت زنجیره ای: در غالب فرد نسخه های مجالس تعزیه میر انجم، مکالمات آغازین مجلس تعزیه که میان شبیه خوانان مطرح می شود، هم وزن و هم قافیه اند. یکی از روش های استاندارد به نسخ مجالس تعزیه میر انجم در شناسایی از دیگر زمینه های موجود در ایران پایبندی به این شیوه سخن پردازی است.

	(امام حسین (ع) در تعزیه شهادت علی اکبر (ع))
نتوانم که دگر طعنه ز اشرار کشم	ای فلک تا به کی از دست تو آزار کشم
	زینب بلافاصله بعد از فرد نسخه امام می خواند:
چند ظلم و ستم از فرقه اشرار کشم	ای فلک تا به کی این آه شرربار کشم
	سکینه بعد از فرد نسخه زینب می خواند:
از غم اصغر خود آه شرر بار کشم	ای خدا طفلم و از تشنگی آزار کشم

10- فهرست وار بودن مجالس تعزیه میر انجم: ظرافتی که در مجالس میر انجم به کار برده شده است این است که گاه در پایان هر فرد نسخه شروع فرد نسخه بعد مشخص می شود. این، کار معین البکاء را آسان می سازد. در قسمتی از

مکالمات تعزیه شهادت امام حسین (ع) آمده است:

زینب (بیت آخر):

شهربانو که غمش بر دل سوزان من است

شه اگر کشته شود با حرم شه چه کنم

شهربانو (بیت آخر):

شمر غدار که جلاد جوانان من است

آه از آن دم که مبارز طلبید

شمر (بیت آخر):

خون تو سر خط ری حجت جرجان من است

پسر شیر خدا بغض تو در جان من است

11- استفاده از بحر طویل عامیانه (صد کلامی): «بحر طویل ها که بنا به خاصیتشان اغلب روایی هستند و به تبیین واقعه می پردازند و از زبان یکی از شخصیت ها بیان می شوند، لحنی تپنده و حالتی رجزگونه دارند. تصویرهای ارائه شده در آن ها که پی در پی نو می شوند، مخاطب را غافلگیر و او را مجذوب می کند. طنز کلام در بحر طویل ها، به همراه موسیقی قافیه که در آن ها اتفاقی اما حتمی است، حادثه را شکوهمند جلوه می دهد» (کافی، 1388: 377).
بیشترین استفاده از بحر طویل های به دست آمده در فرد نسخه های موجود میر انجم در مجالس تعزیه های رزمی است نمونه هایی از بحر طویل عامیانه: ای خور چرخ فتوت، در دریای مروت، گل گلزار کرامت، ثمر نخل جلال، گهر بحر سخاوت، اسد بیشه صولت، مدد بازوی شوکت، پسر شاه ولایت، بگشا چشم و نشان خشم و نشین بر سر اورنگ جلال (شمر در تعزیه شهادت حضرت عباس (ع))

ای خطا زاده مردود دغا زاده ذی الجوشن مردود ستمگر، به حق خالق اکبر، به حق قبر پیمبر، به حق ساقی کوثر، به حق پهلوی بشکسته زهرای مطهر، به حسن ماه منور، به حسین شافع محشر، گر تو را آمده لشکر، ز ختا و ختن و مکه و مصر و حلب و شام و ...

(حضرت عباس (ع) در تعزیه شهادت حضرت عباس (ع))

درونمایه های مجالس تعزیه میر انجم

کلیت درونمایه های موجود در مجالس تعزیه های میر انجم بر اساس عنوان هر مجلس در محور عمودی مشخص است. بیشتر درونمایه ها بر محور مرثیه می چرخد. «مرثیه از نظر ماهیت جزو ادبیات غنایی است زیرا شاعر در آن احساسات و عواطف خود را بیان می کند. مرثیه در ادب فارسی سابقه دیرین دارد و در نخستین دوران شعر فارسی، یعنی دوران رودکی دیده می شود و هم امروز هم در آثار شاعران معاصر رواج دارد» (شمیسا، 1374: 221). عمده مرثیه های موجود در نسخه های تعزیه میر انجم درباره شخصیت های دینی به خصوص امام حسین (ع) و یارانش است. علاوه بر مرثیه در درون این نسخ با درون مایه های دیگری نیز روبرو می شویم که در این بخش به پاره ای از آن ها به همراه نمونه هایی از هر کدام اشاره می شود:

1- شفاعت

شفیع تو در روز محشر منم

مخور غم، تو را یار و یاور منم

(امام حسین (ع) در تعزیه شهادت حر)

دارد امید آن که شفاعت کنم ورا

خون می رود ز دیده انجم از این جفا

(امام حسین (ع) در تعزیه شهادت امام حسین (ع))
2- مشورت

رها کن از کف خود دامن این جهل ترسا را

الا ای شمر یکدم مشورت کن عقل دانا را

(شمر در تعزیه شهادت علی اکبر (ع))

تا به فردا حق که را بر فرق افسر می نهد

امشب را مهلتی ده تا نمایم مشورت

(ابن سعد در تعزیه شهادت حر)

که از این شور به من نکته نمایان آید

خوش بود مشورتی با سپه خویش کنم

(حر در تعزیه شهادت حر)

3- شهادت

بیا نظاره نما جای خویشتن بنگر

چه هست شوق شهادت تو را ایا مضطر

(امام حسین (ع) در تعزیه شهادت حر)

قلت بسم الله الرحمن الرحيم

چون شدم بهر شهادت مستقیم

(قاسم (ع) در تعزیه شهادت قاسم (ع))

شود فردا مرا ممکن تمنای شفاعت را

بلی امروز دریابم اگر فیض شهادت را

(امام حسین (ع) در تعزیه شهادت عباس (ع))

4- شکر

شد بر سریر ملک ولایت مقام ما

شکر خدا هر آنچه طلب کردم از خدا

(ابن زیاد در تعزیه شهادت حر)

یاران زیند سکه دولت به نام ما

دیگر نماند غم به دل من هزار شکر

(ابن زیاد در تعزیه شهادت حر)

در کربلا ز جمله شهیدان حساب شد

شکر خدا که حر ز حسین کامیاب شد

(حر در تعزیه شهادت حر)

کامم روا شد الحمد لله

صد شکر گشتم مقبول درگاه

(حضرت علی اکبر (ع) در تعزیه شهادت علی اکبر (ع))

5- علم لدنی امام

امام آگه ز ماهی هست تا ماه

نگویی نیستم ز اسرار آگاه

دهم من مقتل خود را نشانت

بیا سازم عیان سر نهانت

(امام حسین (ع) در تعزیه شهادت مسلم)

مراست علم که خواهم شهید شد به چه روز

قسم به حق خدایی که کرده کشف رموز

(امام حسین (ع) در تعزیه حجه الوداع، هجرت مدینه)

سرم گردد جدا از خنجر تیز

به فردا اندر این دشت بلا خیز

- (امام حسین (ع) در تعزیه شهادت عباس (ع))
6- ایثار و از خود گذشتگی
خداوندا به آن عهدی که از روز ازل کردم
گذشتم از سر و جان با همه یار و تبار امشب
- (امام حسین (ع) در تعزیه شهادت عباس (ع))
گر اذن دهد شاه شهیدان به برادر
تا جان کنم ایثار شهنشاه ملک فر
- (حضرت عباس (ع) در تعزیه شهادت حضرت عباس (ع))
7- توکل
ای قبله حاجات، توکلت علیک
دارم به قضایت سر تسلیم و رضا
جان گفته قبول درگهت را لبیک
بر درگه تو روی توکلت علیک
- (امام حسین (ع) در تعزیه شهادت حر)
اگر این حنجر نازک تر از گل را کشی خنجر
توکلت علی الحی الذی من شأنه سبحان
(امام حسین (ع) در تعزیه شهادت امام حسین (ع))
8- حیرت
می روی ای حر که بندی راه بر سبط رسول
(حر در تعزیه شهادت حر)
از چه باشد بر دلت واهمه و بیم و هراس
(مصعب در تعزیه شهادت حر)
چرا غم در دلت جا کرده بهر چیست حیرانی
هنوز ازرق نمرده دارد اینک در بدن جان را
(ازرق در تعزیه شهادت قاسم (ع))
9- اطاعت و فرمانبرداری
غم عباس اگر چه دل خراشد
(حضرت زینب (س) در تعزیه شهادت حر)
دهد اذن جنگم اگر شهریار
(حضرت عباس (ع) در تعزیه شهادت حر)
گر اذن داشتم ز حسین شاه تاج‌دار
(حر در تعزیه شهادت حر)
10- صبر
بستان ز من تو پیرهن ای شاه کم سپاه
در هر بلیه صبر به زینب دهد خدا
(فضه در تعزیه شهادت امام حسین (ع))
اگر چه داغ عباس است دشوار
ولیکن صبر خواهم کرد ناچار
(زینب (س) در تعزیه شهادت حر)

دارم وصیتی به تو کز بعد قتل من
 (امام حسین (ع) در تعزیه شهادت علی اکبر (ع))
 11- رضا

رضا گشتم که خونم در زمین کربلا ریزد
 رضا گشتم هر آن ظلمی رسد بر اهل بیت من
 (امام حسین (ع) در تعزیه شهادت امام حسین (ع))
 راضی ام بند ز بندم بنماید جدا
 (حضرت عباس (ع) در تعزیه شهادت حضرت عباس (ع))
 12- تلفیق حماسه و عرفان

در مجالس تعزیه میر انجم پیوند اغلب عشق و حماسه با زبانی تپنده و گرم و با نگاهی عرفانی به واقعه عاشورا که سبب جذابیت محتوا می شود، به چشم می خورد:

مژده ای باد صبا فصل گلستان من است
 تا که من خلعت زیبای شهادت پوشم
 (امام حسین (ع) در تعزیه شهادت امام حسین (ع))
 نوشته جسم اکبر را کنم صد پاره از خنجر
 (ابن سعد در تعزیه شهادت عباس (ع))
 مطرب بساز ساز مخالف که در عراق
 (ابن زیاد در تعزیه شهادت حر)
 وقت آن است که نوشم می مستانه یار
 (امام حسین (ع) در شهادت علی اکبر (ع))
 13- رجعت

«رجعت از معتقدات ضروری شیعه امامیه است که از آن معنای بازگشت به دنیا را افاده می کنند. البته منظور از این بازگشت، نه بازگشت ارواح و اجساد در آخرت بلکه بازگشت آنها به دنیا پس از مرگ و پیش از آخرت است» (صدر حاج سیدجوادی و همکاران، 1375: 180)؛ مثلا در تعزیه «پسر فروختن» از جمله مجالس تعزیه قدمگاه انجم، حضرت فاطمه زهرا (س) 8 بار و امام حسین (ع) 18 بار حضور پیدا می کنند و خود سخن می گویند یا در تعزیه طفلان مسلم از همین مجموعه حضرت علی (ع) 22 بار و در تعزیه حضرت عباس (ع) همین مجموعه حضرت علی (ع) 2 بار حضور می یابند و در تعزیه حجه الوداع (هجرت مدینه) نبی مکرم اسلام با 2 بار حضور خود در همین مجموعه سخن می گویند.

زمین ماریه بس دلپذیر می آید
 طلایه دار حسین است حضرت عباس
 مکن هراس ای نور دیده ام اکنون
 (حضرت علی (ع) در تعزیه شهادت حضرت عباس (ع))
 صدای غرش هفتاد و دو شیر می آید
 علم به دست عجب بی نظیر می آید
 به یاری ات پدردت ای دلیر می آید

14- حضور نیروهای ماورایی در اغلب تعزیه های میر انجم

در تعزیه شهادت امام حسین (ع) در قدمگاه انجم، جبرئیل 12 بار و میکائیل 9 بار حاضر می شوند و بر اساس فرد نسخه خود سخن می رانند.

ایا گروه ملائک به حکم لم یزلی
(جبرئیل در تعزیه پسر فروختن)

ای حسین بن علی این دشت دشت کربلاست
(هاتف در تعزیه شهادت حر)

مژده بادت به جنان ای حر پاکیزه سرشت
(هاتف در تعزیه شهادت حر)

روم این دم به درگاهی که جبرئیلش بود دربان
(شمر در تعزیه شهادت قاسم (ع))

برو عباس آسایش کن از رنج سفر امشب
(امام حسین (ع) در تعزیه شهادت حضرت عباس (ع))

15- توجه به نقش پدیده ها و حیوانات

ز هر سو بنگرم سنگ و کلوخ و جمله اشیاء
(حر در تعزیه شهادت حر)

ایا شمشیر شد وقتی که سیرابت کنم از خون
(حضرت عباس (ع) در تعزیه شهادت حضرت عباس (ع))

16- توصیف آرایش نظامی و به کار بردن اصطلاحات رزمی

سمت یسار علی اکبر گرفته تنگ
سمت یمین را گل بستان مجتبی
(شمر در تعزیه شهادت حضرت عباس (ع))

خبردار لشکر که اکبر رسید
(شمر در تعزیه شهادت حضرت علی اکبر (ع))

حمله کنید ای سپه دور خیام حسین
(ابن سعد در تعزیه شهادت امام حسین (ع))

17- توجه به پوشش جنگی

چو درع دلیری بپوشم به تن
(حر در تعزیه شهادت حر)

من سلاح رزم پوشم بر بدن
(حضرت قاسم (ع) در تعزیه شهادت حضرت قاسم (ع))

روید سوی عزاخانه حسین علی

این مکان وعدگاه عهد و پیمان شماسست

حوریان منتظر وصل تو در باغ بهشت

به خرگاهی که خاکش لؤلؤ شهوار می گردد

که دارد پاس جبرئیلم ز هر شب بیشتر امشب

بشارت بر بهشتم می دهند حکمت چه باشد آه

اگر چه تشنگی بهر غریبان ممکن است امشب

شیر از نهیب او بنهد روی در فرار

آن گل که باید از حسن آباد یادگار

به کف تیغ مانند حیدر رسید

فوج عدو از یمین خیل گروه از یسار

شود زهره اش آب صد اهرمن

قامت آرایم به تشریف کفن

18- حمیت و مردانگی

بین این ظلم کردن، جنگ کردن سبط احمد را
مروت می پسندد یا رضا جوئی یکتا را
(شمر در تعزیه شهادت علی اکبر)

چه شد حمیت ای غرقه خون برادر من
که من نشسته تو خوابیده ای برابر من
(امام حسین (ع) در تعزیه شهادت حضرت عباس (ع))
از حمیت به خدا گریه امانم ندهد (حر در تعزیه شهادت حر)

19- استحلال

ای معلم حق ذات ذوالجلال
کن حقوق خود به فرزندم حلال
(سعید در تعزیه پسر فروختن)
هر آن شیر دادی به من در سحر
حلالم کن ای مادر خون جگر
(ابراهیم در تعزیه پسر فروختن)

20- استخاره

پس ای جناب بکن استخاره بر قرآن
ببین که چیست در این باب حکمت یزدان
(محمد حنفیه در تعزیه حجه الوداع (هجرت مدینه))
تو از کلام بکن استخاره ای زینب
اگر دل تو بد است زین سفر ز من بشنو
(حضرت زینب (س) در تعزیه حجه الوداع (هجرت مدینه))

21- سنت پردازی

مجالس تعزیه میر انجم در واقع دایره المعارفی از سنت های بومی - محلی و ایرانی است. در این بخش به نمونه‌هایی از این سنت پردازی اشاره می شود.

بود رسم ای برادر جان ز احسان
مسافر بگذرد از زیر قرآن
(صفیه در تعزیه شهادت حضرت حمزه (ع))

زینب آمد جان بر افشانی کنی
گوسفند و بره قربانی کنی
(امام حسین (ع) در تعزیه حجه الوداع (هجرت مدینه))

گر خدا این یک پسر را از من نگیرد یا حسین
شمع ها روشن به هر محراب و منبر می کنم
(ام لیلا در تعزیه شهادت حضرت علی اکبر (ع))

به شب های جمعه به قبرم گذر کن
ز اخلاص حمدی به قبرم بخوانی
(حضرت علی اکبر (ع) در تعزیه شهادت حضرت علی اکبر (ع))

سپند افکنم من در آتش عزیزم
یقین می روی ای برادر ز دستم
(سکینه در تعزیه شهادت علی اکبر (ع))

در پایان این قسمت علاوه بر ویژگی های مذکور مجالس تعزیه میر انجم به ویژگی های دیگر نیز باید اشاره کرد؛ از قبیل تنوع اوزان عروضی در هر مجلس تعزیه، شیوه سوال و جواب ها، استفاده از تک مصراع های سه نفری و پنج

نفری. درباره درونمایه های آن نیز می توان به مواردی همچون اعتقاد به سرنوشت، معجزه، خواب، معرفی کامل شخصیت ها و توصیف آنها، خوداتهامی دشمنان، اعتقاد به قیامت، تفکر، توسل، آموزش سبک زندگی اسلامی، وصیت و ده ها موضوع دیگر اشاره کرد که خود بحث درازدانی است. در کنار این بررسی ویژگی های دستوری مجالس تعزیه مذکور خود می تواند زمینه ساز تحقیقی مفصل باشد.

زبان تعزیه های میرانجم

یکی از عناصر مهمی که موجب پیدایش شعر می شود زبان است. زبان به تعبیری مجموعه واژگان و جمله هایی است که در محور همنشینی و بر اساس خواننده ها و شنیده ها و متناسب با ضرورت معنی از سوی شاعر به کار گرفته می شود و همین عامل شاعر را از شاعران دیگر متمایز می کند. آنچه به صورت متعارف به عنوان زبان از آن یاد می کنند عبارت است از انتقال اطلاعات و یافته های ذهنی بیشتر به وسیله آوای صوتی که در دستگاه آوایی و صوتی انسان ساخته می شود و از اجزا و نظام خاص برخوردار است. این وسیله تفهیم و تفاهم بشری دو عنصر اصلی و محوری «آوای صوتی» و «اجزای نظام یافته» دارد. زبان ابزار کار شاعر به حساب می آید و شاعر با زیبایی آفرینی در زبان، شعر را به وجود می آورد.

باید دانست که ارزش واقعی شعر در جوهر و ذات آن است و جوهر شعر نیز همان احساس و عاطفه است که با زبانی خاص بیان می شود. به قول محمود فتوحی «زبان» سه لایه بیرونی، میانی و هسته دارد که لایه بیرونی محل ظهور صنایع لفظی بدیعی، لایه میانی محل ظهور صنایع معنوی و ایماژها و هسته زبان محل ظهور معناست (فتوحی، 1389: 78 به بعد). زبان در یک نگاه به دو دسته «خبری» و «عاطفی» تقسیم می شود. در شعر زبان عاطفی مطرح است زیرا در این شیوه، شاعر عواطف و احساسات سرشار خود را هر چه بیشتر و ملموس تر می سازد و در تعزیه این زبان عاطفی بسیار ساده است ولی این سادگی به هیچ وجه ناقض ارزش و اعتبار کار شاعران تعزیه نیست چرا که این زبان ساده در کنار لحن حماسی تعزیه ها، به خصوص تعزیه های عاشورایی، شکوه حماسی به آنها بخشیده است. وجود واژه های ساده، نحو ساده، جمله های کوتاه، تعبیرات رایج، مثل های پرکاربرد و آشنا، تشبیهات و استعارات ساده و روشن و عدم استفاده از آرایه های دشوار و ترفندهای غریب هنر شاعری میرانجم را نشان می دهد. سادگی زبان او از همان نوعی است که عوام می فهمند و خواص بر آن صحه می گذارند بنابراین شعر او می تواند نمونه یک اثر بلیغ باشد. دانش ادبی و اطلاعات او در زمینه فرهنگ عوام و زبان آن ها به این سادگی و ظرافت کمک بیشتر می کند. در تحلیل زبان شعری تعزیه های میرانجم از چهارچوبی که «پورنامداریان» در کتاب «سفر در مه» ترسیم کرده است استفاده شده است. بر همین اساس ویژگی های زبان تعزیه های به شکل زیر خواهد بود:

دایره لغات

از آنجا که میرانجم با فرهنگ و زبان توده مردم از یک سو و آثار نظم و نثر گذشتگان زبان فارسی از سوی دیگر آشنایی داشته، این امر سبب تنوع در واژه های نسخ «قدمگاه انجم» شده است. در زیر به پاره ای از این واژه ها اشاره می شود:

1- لغات امروزی

غبار مقدماتان کحل دیده گریان

خوش آمدید به بزم مصیبت ای یاران

حقوق قهوه سزد مجلس مصیبت را ز بعد قهوه سیاه آب قند با ریحان
 بیاورید عزیزان ز بهر اهل عزا برای تقویت کام هم نبات هم قلیان
 (سعید در تعزیه پسر فروختن)

واژه‌های قهوه، قند و قلیان از لغات امروزی هستند که در نمونه‌های بالا به کار رفته است.

2- کاربرد واژه‌های بیگانه از قبیل واژه‌های عربی و ترکی در تعزیه

حق تعالی حاکم و من بایع و تو مشتری مجتبی را ضامن و شاهد پیمبر می دهم
 (مادر حضرت قاسم (ع) در تعزیه شهادت حضرت قاسم (ع))
 برادر قسمت ما را نوشته منشی قدرت قضا قاضی قدر حاکم بشر آماده قسمت
 (حضرت زینب (س) در تعزیه شهادت امام حسین (ع))
 ابن سعد بی مروت داد و بیداد ایلدون نور چشم احمد مختار ناشاد ایلدون
 سیز عرب احمد عرب من ترکم ای بی رحم لر مرکز ایمان یخدی کفرآباد ایلدون
 (غلام ترک در تعزیه شهادت امام حسین (ع))
 از مشعل انجم شده افلاک معطر رفتم به خیام پسر ساقی کوثر
 (شمر در تعزیه شهادت حضرت عباس (ع))

عمده واژه‌های بیگانه رایج در تعزیه به عربی است. دلیل آن هم قطعاً منابع و مستندات بوده است که به زبان عربی در اختیار این نسخه نویس قرار داشته است. کمترین میزان نیز لغات واژه‌های عبری است که جز چند اسم پیامبر و تعدادی شهر چیز دیگری در نسخه‌های تعزیه دیده نمی‌شود.

3- لغاتی که بیشتر رنگ قدیمی دارند.

این لغات امروز تقریباً در زبان مردم به خصوص در زبان گفتار از رواج افتاده اند و بخش قابل توجهی از لغات تعزیه را شامل می‌شوند:

طرح زرین افسرم الحال کیفر می شود اشعب بختم اگر الحال صرصر می شود
 (حارث در تعزیه شهادت طفلان مسلم)
 روزی که بر سمند سبک پی شود سوار شمشیر بر میان و به سر خود زرنگار
 گیرد ز فرقدان فلک ابلقش خراج از ماه چهارده کله و از آفتاب باج
 (حر در تعزیه شهادت حر)
 ز رعد کوس، برق تیغ باران خدنگ امروز پدید آرم از این بیغوله محشر خیز طوفان را
 سنان ما رقم زد گر به کف گیرم ز نم ابلق چو بسمل می تپد در سیته دل ابلق سواران را
 (ارزق در تعزیه شهادت حضرت قاسم (ع))

واژه‌های اشعب، صرصر، خود، ابلق، فرقدان، کوس، خدنگ، بیغوله و سنان در کنار واژه‌های دیگری از قبیل الم، برج، کین، سبو، خیل، جبین، ساغر، نیام، سلسله، کمند از جمله واژه‌های پرکاربرد در این مجموعه به حساب می‌آیند.

ترکیبات

ترکیبات موجود در متن تعزیه‌ها که شامل ترکیب‌های وصفی و اضافی است، گاه متعلق به آثار گذشتگان است که میرانجم به کار گرفته و تا حدودی احیا گردیده و بعضاً نیز از زبان مردم گرفته شده یا ساخته خود ایشان است. ترکیباتی از قبیل شه شریف نسب، شه یوم الحساب، شاه مشرقین، شاه جم خدم، شهنشاه لافتی، شاه لوکشف، شه سپهر وقار، پادشاه کشور رنج و محن، شه اوتاد، پادشاه کشور دین، شه یاسین افسر، شه گردون سریر، شه عرش وقار و ده‌ها نمونه دیگر را به شکل استعاری یا وصف درباره شخصیت‌های دینی و به خصوص امام حسین (ع) به کار گرفته است. علاوه بر موارد بالا به نمونه‌های زیر که در قالب ترکیب‌های وصفی و اضافی اند نیز می‌توان اشاره کرد.

فلك دیدی چه کردی با غریبان	چه کردی با دل محنت نصیبان
(حضرت مسلم در تعزیه شهادت مسلم)	
غزال شیرمست من شدی بیرون ز دست من	شه یزدان پرست من تو را سردار فرمود
(حضرت زینب (س) در تعزیه شهادت امام حسین (ع))	
گر خدا ناکرده روی آری به جنگ	شیشه عمرم کنون آید به سنگ
(حضرت زینب (س) در تعزیه شهادت حضرت قاسم (ع))	

افعال

فعل‌های این مجموعه به دو بخش کلی تقسیم می‌شود. دسته اول شامل فعل‌هایی است که در زبان فارسی امروز رواج دارد و دسته دوم فعل‌هایی که در زبان امروز به خصوص زبان گفتاری از رواج افتاده و به ندرت به کار می‌رود و بیشتر به زبان تکلم و نثر گذشته است. این فعل‌ها به شکل ساده، پیشوندی، مرکب و عبارت‌های فعلی در تعزیه کاربرد دارند که در نمونه‌های زیر می‌توان پاره‌ای از آنها را مشاهده کرد:

برچین ز یرم سفره و بردار تو خوان را	بردار نخواهم خورم این درد گران را
(حارث در تعزیه شهادت طفلان مسلم)	
سر بسای ای حر به پای رحمه للعالمین	هم کله بر آسمان فرسای هم سر بر زمین
(حضرت عباس (ع) در تعزیه شهادت حر)	

نتیجه

از بهترین مجموعه‌های تعزیه در ایران می‌توان به آثار میرزا محمد روحانی متخلص به میرانجم اشاره کرد. نسخه‌های هفتاد و پنج‌گانه مجالس تعزیه او همگی به شعر است. اشعار وی به سه دسته «ساده و روان»، «خوب و متعارف» و «عالی و فخیم» تقسیم می‌شود و بیشترین اشعارش خوب و متعارف هستند. مضامین شعری وی متنوع است و تضمین‌هایش از قرآن و شاعران بزرگی مثل مولوی و حافظ حاکی از میزان شناخت و تسلط وی به معارف و ادبیات است. زبان عاطفی‌اش با تمام سادگی و عامه فهمش، حماسی است. دایره لغاتش گسترده است و در کنار واژه‌های فارسی از لغات عربی و ترکی نیز بهره می‌برد. در ترکیبات وصفی و اضافی به آثار بزرگان ادب نظر داشته است اما کم

نیستند ترکیبات بدیعی که در اثر توانمندی های فکری و هنری وی ایجاد شده اند. با بررسی دقیق مجالس تعزیه میر انجم به این واقعیت می رسیم که نه وی انسانی کم سواد و ساده است و نه اشعار فاقد ارزش ادبی بلکه وی آگاهانه با آفرینش تصاویر شعری به نقاشی کلمات پرداخته تا بتواند به شکل عاطفی میان عالم درون و برون خویش و مخاطب پیوندی همه جانبه برقرار کند.

منابع

- 1- قرآن کریم
- 2- پورنامداریان، تقی. (1381). سفر در مه. تهران: نگاه.
- 3- حافظ، شمس الدین محمد. (1370). دیوان غزلیات حافظ. تهران: اساطیر.
- 4- داد، سیما. (12383). فرهنگ اصطلاحات ادبی. تهران: مروارید.
- 5- روحانی (میر انجم)، میرزا محمد. (1391). قدمگاه انجم. به کوشش مهدی دریایی. قم: دارالهدی.
- 6- سعدی، مصحح الدین. (1363). کلیات سعدی. تصحیح محمدعلی فروغی. تهران: امیرکبیر.
- 7- ----- . (1377). گلستان. تصحیح غلامحسین یوسفی. تهران: خوارزمی.
- 8- شمیسا، سیروس. (1371). نگاهی تازه به بدیع. تهران: فردوس.
- 9- ----- . (1374). انواع ادبی. تهران: فردوس.
- 10- شهیدی، عنایت الله. (1380). پژوهشی در تعزیه و تعزیه خوانی، از آغاز تا پایان دوره قاجار در تهران. با همکاری ویرایش و نظارت علمی علی بلوک باشی. تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی با همکاری یونسکو.
- 11- صدر حاج سید جوادی، احمد و همکاران. (1375). دایره المعارف عالم تشیع. زیر نظر احمد صدر حاج سید جوادی و بهاءالدین خرمشاهی و کامران امانی. تهران: نشر شهید سعید محبی.
- 12- فتوحی، محمود. (1389). بلاغت تصویر. تهران: سخن.
- 13- کافی، غلامرضا. (1388). شرح منظومه ظهر. تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.
- 14- محبوب، محمد جعفر. (1382). ادبیات عامیانه ایران. تهران: چشمه.
- 15- محتشم کاشانی، سید کمال الدین. (بی تا). دیوان محتشم کاشانی. تصحیح مهرعلی گرگانی. تهران: کتابفروشی محمودی.
- 16- مولوی، جلال الدین. (1374). غزلیات شمس تبریزی. تهران: گنجینه.
- 17- ----- . (1377). مثنوی معنوی. تصحیح نیکلسون. تهران: امیرکبیر.